

نگاهی به برداشتها و دیدهای شمارگانی (دیژیتالی) و فتوگرامتری شده زوزن و بسطام

شهریار عدل

اقتباس: اصغر کریمی

به یاری افزوده‌هائی از نویسنده

فتوگرامتری را توجیه می‌کرد. عوامل دیگری نیز، دست‌کم به همان میزان، به سود بهره‌گیری از این وسیله پادرمیانی می‌کردند. به نظر می‌رسید که جنگی که در آن زمان در افغانستان علیه نیروهای اشغالگر اتحاد جماهیر شوروی، و در ایران علیه تهاجم نیروهای بعثی جریان داشت، آغاز عملیات مرمت را به ویژه در روزن که در برابر چشم به سرعت رو به انهدام می‌رفت، غیرممکن خواهد ساخت. آخرین فروریختگی بزرگ روزن ۲۶ دی ۱۳۵۹/۱۶ ژانویه ۱۹۷۹، مدتی پیش از آغاز نخستین بررسی نویسنده رخ داد و در آن تاریخ آغاز کتیبه‌یادمانی مورخ ۱۳۱۹ هـ. ق. / ۱۶ م. فروریخت. با این‌که زوزن در قلمرو ایران قرار دارد، ولی به نظر می‌رسید که دورافتادگی آن، عدم امکانات، مسجورت آن با مرز افغانستان و عدم امنیت تمام برنامه‌های باستانشناختی یا مرمت را به وهمی باطل تبدیل خواهد کرد. در این شرایط، فتوگرامتری به مثابه وسیله‌ای معجزه‌آور ظاهر می‌شد که امکان تأمین دوام یادمان زوزن را اگر نه بطور ملموس لااقل به صورت شمارگانی (دیژیتالی) در تصاویر سه بُعدی فراهم می‌آورد. پیشرفتهای فنی، بخصوص رایانه‌ای، و تجربیات به دست آمده در بسطام این امید را به نویسنده می‌داد که دگرباره بتواند به تنهایی و بدون این‌که نیازی به متخصصان گوناگون باشد دست به اقدام بزند. این برنامه وراء آن تصویری انجام و ادامه یافت که در ابتدا می‌شد پنداشت. از طرف دیگر، همزمان با عملیات فتوگرامتری، با تلاش سازمان میراث فرهنگی ایران و کوشش افراد آن در خراسان، حتی مرمت مسجد-مدرسه زوزن نیز آغاز شد، تا جائی که امروزه ویرانی آن اثر را دیگر تهدید نمی‌کند. برداشتهای فتوگرامتری مسجد هنوز به پایان نرسیده زیرا عملیات پی‌گردی و کاوش همچنان در محل ادامه دارد. این برداشتها بیشتر تأکید به نشان‌دادن حالت بنا پیش از این‌که

در آغاز بهار سال ۱۳۷۵ ش. (۱۹۹۶ م.)، به دعوت «فرهنگستان باستان‌شناسی و هنرهای زیبا»ی فرانسه (Academie des Inscriptions et Belles-Lettres) نویسنده این سطور نشرنامه‌ای از ده سال پژوهشهای خویش در مشرق زمین را در پاریس به آن مجمع ارائه کرد. این سخنرانی که «باستانشناسی و هنرهای زیبا»ی ایرانی، هند اسلامی و قفقاز برپایه پارهای پژوهشهای میدانی (۱۳۷۵-۱۹۸۴ م.) نام داشت، بطور مشروح در مجله آن فرهنگستان در سال ۱۹۹۶ به چاپ رسید^(۱). در اینجا بخش مربوط به زوزن و بسطام آن نوشتار یا تعداد بیشتری تصاویر فتوگرامتری و عکس به چاپ می‌رسد و نشر دیگر بخشها که مربوط به آتش‌افروز و کوزه‌ساز، برده نقاشیهای رنگ و روغن مکتب گرجی و ایرانی-قفقازی و همچنین نقاشی‌های مکتب ایرانی-هندی است به آینده موکول می‌شود.

در مقدمه نوشتار خویش، نویسنده پس از اشاره به اقدامات و پژوهشهایی که در گذشته انجام گرفته و عملیات سازمان میراث فرهنگی کشور در بسطام و زوزن، به تشریح برنامه برداشت فتوگرامتری شمارگانی مجموعه‌های معماری و شهری در آن دو نقطه می‌پردازد که آن متن در اینجا با افزوده‌هائی آورده شده است.

۱- پژوهشها و برداشتهای فتوگرامتری شمارگانی و سه‌بعدی آثار بسطام و زوزن

از همان ابتدای برنامه، چه در بسطام و چه در زوزن، نیازهای باستانشناختی و همچنین ضرورت در اختیار داشتن داده‌های دقیق برای حفاظت و عملیات مرمت آثار بسطام و زوزن توسل به

تعمیرات کنونی به تغییر شکل بنیادی آن انجامد دارد و نه نشان دادن حالت کنونی اثر.

خرابیها و شکافهایی که در حین بنای زوزن بود به فتوگرامتری اجازه داد که به درون بنا رفته همچون اشکال کالبدشناسی در پزشکی که رگ و ریشه عصب را نشان می‌دهد، به نمایش طاق و پی و استخوان‌بندی ساختمان پردازد. افزون بر آن، اهمیت این تصاویر برای پژوهشگران در آنست که زوزن را آنچنان که بود نخواهد شناخت، قابل توجه بسیار خواهد بود.

وضعیت مجموعه معماری در بسطام، که دربرگیرنده مقبره عارف بزرگ بایزید^(۲) و امامزاده معروف به محمد، فرزند امام ششم شیعیان^(۳) است، متفاوت بود. این آثار در حال ویران شدن نبود ولی به مثابه یک مرکز مذهبی فعال برای اهل شیعه و تسنن باید همیشه حالت قابل ارائه‌ای را از خود نشان می‌دادند. می‌توانست شبیه به یک محوطه باستانی در حال ویران شدن و بازسازان شده، مثل زوزن، باشد. کاوشها، حتی در سطح کوچک، نمی‌توانست صورت بگیرد مگر آن که بر اساس نقشه مرمت کلی آثار اقدام توجیه باشد و یا این که الزاماً منجر به دستیابی به نتایج محسوس و قابل لمس گردد. برای کار در چنین شرایطی و برای آن که در تلاش سر درگم معماری پیچیده مجموعه بسطام به شکلها و حجم‌های نخستین آن دست یافت، راه دیگری جز فتوگرامتری وجود نداشت. نتایج به دست آمده روند مورد انتخاب را توجیه کرد زیرا به عنوان مثال توفیق بازسازی نمای مسجد دوم بایزید (۵۱۲ هـ. ق. / ۱۱۲۱-۱۱۲۰ م) به دست آمد و نام سفارش‌دهنده بنا نیز روشن شد. دیگر ایده بازمانده‌های مسجد سوم بایزید نیز به معرض دید درآمد از جمله تئوبه باشکوه آن که تاریخ ۶۹۹ هـ. ق. / ۱۲۰۰ م. را دارد.

در این مختصر امکان ارائه برداشتهای سه بُعدی و چندرنگ آثار بسطام و زوزن فقط به صورت کاملاً ناقص وجود دارد زیرا برای بررسی آنها باید رایانه‌های نیرومندی^(۴) را در اختیار داشت که مجهز به برنامه‌های MicroStation 5 یا MicroStation 95 باشد. از آنجائی که ارتباط بی‌عیب و بین MicroStation و Auto-Cad هنوز برای تصاویر فضائی سه بُعدی پیچیده برقرار نشده است، متأسفانه استفاده‌کنندگان از این دو نخواهند توانست روی این برداشتها به نحو مطلوب کار کنند. مسأله است که این فقدان انطباق کلی، موقتی است و بدون تردید بزودی با ارائه نسخه‌های جدید برنامه‌های مذکور برطرف خواهد شد. برای سهیل در حمل و نقل و برای انتقال آسان داده‌ها، تمام برداشتها به صورت اشکال مستقل

درآورده شده و روی دیسک‌های 1/4 Mo ضبط گردیده است. این اشکال بر اساس عنصر اصلی معماری، که هر یک از آنها را متمایز می‌کند، نام‌گذاری شده است (مثلاً: «نمای اصلی (شمالی) مسجد دوم بایزید»). دقت زیاد برداشتها به کسی که تمایل به دیدن جزئیات این اشکال از زاویه‌های گوناگون دارد امکان می‌دهد تا تمام یا بخشی از آنها را طبق دیدی که مایل است ببیند. همچنین، اگر بیننده دارای یک رایانه بسیار سریع با حافظه زیاد باشد می‌تواند تمام اشکال مستقل را در یک پرونده گردآورده این بار تمام مجموعه را به هر نحوی که مایل است در فضا رؤیت کند.

۱ - برداشت شمارگانی و بررسی مجموعه

معماری بایزید (وفات به سال ۲۳۴ هـ. ق. / ۸۴۹-۸۴۸ م.)
و امامزاده محمد در بسطام

در چندین نوشته که نویسنده در سالهای اخیر منتشر کرده است، به صورت کلی یا موضوعی، به نتایج برخی از پژوهشها که روی مجموعه معماری بایزید و ناحیه بسطام انجام گرفته، اشاره شده است^(۵). بنابراین در این یادداشت کوتاه لزومی به تکرار همان مطالب نیست. یادآوری می‌شود که در این نوشته‌ها بخصوص نقشه مجموعه بایزید را می‌توان یافت که در آن آثار و کشفیات عمده معماری که در این سالهای اخیر انجام گرفته به صورت ترتیب زمانی تاریخی نشان داده شده است^(۶). در این نوشته، برداشتهای فتوگرامتری بسطام نسبت به همین نقشه توضیح داده شده است.

در یک دید و برداشت عادی، بطور معمول فرض بر آن خواهد بود که تماشاگر در صحن اصلی مجموعه معماری بایزید جای گرفته است و بطور عمودی به نمای بناهای گوناگون می‌نگرد. تماشاگر ما، برعکس آن مشاهده‌گر عادی که به زمین چسبیده، می‌تواند آثار مختلف را نه تنها از هر زاویه افقی که خواست ببیند، بلکه می‌تواند زاویه عمودی مناسب را نیز خود انتخاب کند. هرگاه که تمام برداشتها و ترسیم‌ها به پایان برسد، فرد کنجکاو خواهد توانست در هر نقطه که خواست در صحن جای بگیرد: در بیرون یا در درون بنا، روی زمین یا در هر ارتفاعی که خود آن را مناسب بداند. حال اگر وی در صحن به‌ایستد و رو به شمال کند و سپس نگاهش را در جهت عکس عقربه ساعت بچرخاند، این بناها را یکی پس از دیگری مشاهده خواهد کرد: برج آرامگاهی که درحال حاضر به غازان‌خان مشهور است (آخر قرن هفتم - اوایل قرن هشتم هـ. ق. / آخر قرن سیزدهم - اوایل قرن

چهاردهم)، ایوان غربی (اوایل قرن هشتم هـ. ق. / اوایل قرن چهاردهم م.)، صومعه بایزید (اواخر قرن دوم - اواخر قرن سوم هـ. ق. / ابتدای قرن نهم م. که در سال ۷۰۲ هـ. ق. / ۱۳۰۲-۱۳۰۲ م. کاملاً مرمت شده است). آرامگاه گمنام (آخر قرن هفتم هـ. ق. / آخر قرن سیزدهم م.)، گور بایزید (ابویزید البسطامی) که به سال ۲۲۲ هـ. ق. / ۸۳۹-۸۴۸ م. وفات کرده است، مقبره و امامزاده محمد (آغاز ساختمان در سال ۷۰۰ هـ. ق. / ۱۲۰۱-۱۲۰۰ م. یا اندکی بعد)، ایوان جنوبی (که در قرن دهم هـ. ق. / قرن شانزدهم م. بطور مستقل ساخته و یا کاملاً مرمت شده است)، شربت‌خانه (بخشی از آن متعلق به قرن چهارم هـ. ق. / قرن دهم م. است ولی قسمت اعظم آن در عصری که هنوز نامشخص مانده ساخته شده است) و بالاخره بالان و ایوان الجایتو (مورخ ۷۱۲ هـ. ق. / ۱۳۱۳ م.). مجموع این دیدها در سه قسمت جدا ولی به سانگی قابل پیوند با یکدیگر جای داده شده است.

تصویر شمارگانی دیگری، که خود منتج از سه تصویر شمارگانی است، توانائی نگرش به دیدی منحصر به فرد را می‌دهد که از قرنها پیش چشم کسی به آن نیفتاده و آن تصویر تمام نمای اصلی (شمالی) مسجد دوم بایزید است (شکل ۱). علت عدم دید کلیت این نمای ساخته شده به سال ۵۱۳ هـ. ق. / ۱۱۲۱-۱۱۲۰ م. از آنجاست که به دنبال ساخت و سازهای بعدی، از طرفی قسمت اعظم آن در درون مجموعه ساختمانی کنونی قرار گرفته است و از طرف دیگر بخش فوقانی نما میان فضای مابین طاق رواق و کف بام پنهان شده و منار مسجد در فضای بیرونی مجموعه افتاده است. برای بازگردان کاملتر شکل نخستین نمای مسجد دوم بایزید نسبت به آنچه که در شکل شماره ۱ دیده می‌شود باید در آینده منحنی نمای یک طاق آهنگ را نیز روی بام در کنار منار بنا رسم کرد و همچنین طرح یک گنبد دوره سلجوقی را نیز روی سمت راست بنا ترسیم نمود. طاق آهنگ فضای مستطیلی مسجد نخست بایزید (۲۰۰-۵۰ هـ. ق. / ۸۱۵-۶۷۰ م.) را می‌پوشانده و گنبد برای پوشش فضای مکعبی به کار رفته که جهت بزرگ کردن حجم مسجد نخستین به آن الحاق شده بوده است. این گنبد، همزمان با مسجد دوم بایزید، به تاریخ ۵۱۳ هـ. ق. / ۱۱۲۱-۱۱۲۰ م. بنا شده است و در سال ۶۹۹ هـ. ق. / ۱۳۰۰-۱۲۹۹ م. تحت مرمت قرار گرفته بوده است. دیوارهایی که آن گنبد را بر دوش می‌کشیدند مزین به کتیبه گچی بلند منقوش پرنقشی بوده‌اند که آن کتیبه را در سال ۱۳۶۳ هـ. ق. / ۱۹۸۴ م. توانستیم پیدا کنیم^(۷). خود گنبد در دهه سوم قرن نوزدهم فرو ریخت و به دنبال آن دیوارهای بین فضای مکعب زیر آن و فضای زیر طاق آهنگ مسجد نخست برداشته شده، محیط کنونی مسجد بایزید با

طاق تیرپوش آن به وجود آورده شد. از گنبد و دیوار حائل اکنون چندان اثری باقی نمانده است.

کشف سطح‌های بسیار کوچک رنگ شده روی نمای مسجد دوم بایزید این امر را به اثبات رساند که نمای ساختمان رنگین بوده است و به دنبال اثبات این امر بسیار مهم برای سیر تحول و شناخت معماری جهان ایرانی، بخشی از کتیبه نما به یاری همان تکه‌های رنگین مکشوفه به صورت نخستین بازگردان شد (شکل ۲). این کتیبه که در بالای نما و در وسط آن، میان لایه قرار گرفته بین طاق و رواق و بام بنا، پنهان است نام سفارش دهنده مسجد یعنی امام رضی‌الدین محمد بن عیسی را عیان می‌سازد. متن کتیبه چنین است: «حرر بسعی الامام رضی‌الدین محمد بن عیسی». امام رضی‌الدین هشتمین وارث و جانشین بایزید، «سلطان العارفين» است. همو است که مجموعه ساخت و سازهایی را به پایان رساند که پدرش عیسی اقدام به آغاز آنها در اطراف گور بایزید^(۸) کرده بود.

۲ - برداشت شمارگانی و بررسی مسجد - مدرسه (۶۱۶-۶۱۵ هـ. ق. / ۱۲۱۸ م.) زوزن و آثاری که مسجد - مدرسه روی آنها ساخته شده است

زوزن که در روزگار ما آبادی‌ای جز یک روستای کوچک نیست، در خراسان جنوبی ایران کنونی، در پنجاه کیلومتری جنوب-جنوب‌غرب خواف و در حدود ۲۰۰ کیلومتری به خط مستقیم دقیقاً در شرق هرات واقع شده است. در نوشته‌های دهه‌های گذشته، هرگاه از زوزن نام برده می‌شود بر آغاز سده هفتم هـ. ق. / سیزدهم م. تأکید می‌گردد؛ دورانی که زوزن تحت حکومت ابوبکر بن علی زوزنی، مَلِکِ مُعَظَّم، بزرگترین فرمانروای آن خطه بوده است^(۹). همو است که با تخریب و یا دست‌کاری در آثار مذهبی زمان خودش، بنای عظیم مسجد-مدرسه‌ای با شکوه را آغاز نهاد که امروزه بازمانده‌های آن هنوز سر به آسمان کشیده است ولی با قتل وی، در ماه شوال سال ۶۱۳ هـ. ق. / ژانویه ۱۲۱۸ م.^(۱۰) و رسیدن مغولان در سال ۶۱۷ هـ. ق. / ۱۲۲۰ م. چرخ چرخید، کار ساختمان مسجد-مدرسه نیمه‌تمام ماند و زوزن به تدریج اهمیت خود را از دست داد. زوزن، آن شهر کوچک ولی پربار به مرور تبدیل به تلی از ویرانه‌های درهم ریخته شد و تا روزگار ما در بوته فراموشی باقی ماند^(۱۱).

به وجود آمدن، تحول و تکوین زوزن نخستین هنوز در پرده ابهام باقی مانده است. سوزیا، محلی که آرزین مورخ بر سر راه

اسکندر به سوی کوشان از آن نام برده می‌باشد و نخستین اشاره به آن باشد^(۱۲)، ولی این تشخیص مسجل نیست. معهود متخصصان امر^(۱۳)، به استثنای یک یا دو نفر آگاه که به یقین از وجود ایشان بی‌اطلاع بوده‌اند، بیشتر به طوس می‌اندیشیدند تا به زوزن. البته باید تأکید کرد که اکثریت ایشان زوزن را نمی‌شناخته‌اند و بنابراین به هیچ وجه نمی‌توانسته‌اند به امکان دیگری بید باشند. یکی از گویاترین موارد در این باره، نظر ارنست هرتسفلد (Ernst Herzfeld) است. این دانشمند بزرگ، با این که برای بررسی آثار خرگرد در آن روستا به سر می‌برده^(۱۴)، از وجود زوزن در چند سرسنگی جنوب خرگرد بی‌اطلاع مانده و به آنجا نرفته است. به این جهت جای شگفتی نیست اگر او سوزیا را با طوس یکی دانسته بدور این که به جایی دیگر بیندیشد^(۱۵). آن آگاهان نادر شاید دو کس بیشتر نباشند: یکی ج. م. کینیر (J. M. Kinnier) و دیگری ه. ه. ویلسون (H. H. Wilson). در هر دو حال، شاید به دلیل کمبود در فهرست اعلام کتب ایشان و عدم اشاره در آن فهرس به زوزن است که پیش نهاد ایشان در مورد یکی دانستن زوزن و سوزیا بدون بازتاب مانده است. اولی، کینیر، که دستیار سیاسی سرجان ملک در ایران در طول جنگهای ناپلئونی بود، به یک جمله اکتفا کرده و بدون ذکر دلیل می‌نویسد که زوزن: «در حال حاضر، بدون اهمیت، سوزیای قدیم است»^(۱۶). در مورد نوشته شخص دوم، یعنی ویلسون، علاوه بر نقص در فهرست اعلام که در آن نه نامی از طوس برده شده و نه از زوزن و سوزیا، غفلت آلفونس گابریل در کتابشناسی نوشته‌اش نیز مزید بر علت شده است. گابریل در کتاب خود از ویلسون^(۱۷) و کار او می‌برد ولی در کتابشناسی همان متن به آ. ت. ویلسون (A. T. Wilson) و کار او را درباره خلیج فارس^(۱۸) اشاره می‌کند. به هر حال، در شرایط کنونی شناخت ما از مسئله، جدا از قرابت نام بین زوزن و سوزیا و این که، عطف به متن آزرین، سوزیا لاجرم پیش از هرات واقع شده، دلیل محکمی که بتوان زوزن را با سوزیا یکی دانست در دست نیست. البته ناگفته نماند که در علم‌اللغه امکان تبدیل سوزیا به زوزن کاملاً وجود دارد. امید است که با رسیدن سطح کاوش به لایه‌های پیش از اسلام، این مسئله دست‌کم تا اندازه‌ای روشن شود. از آنجا که در حال حاضر مرمت بنا به درستی در زوزن دارای اولویت است و پژوهشها نیز بیشتر در جهت شناخت آثار موجود سامان گرفته، چندان فرصتی برای کاوش و شناسایی قشرهای کهن در دست نبوده است ولی می‌توان متصور شد که تاکنون در یک نقطه به آثاری از دوران پیش از اسلام برخورد شده است. این بازمانده‌ها عبارت است از سه خشت خام بزرگ «گبری» که

زیر یک کف از آجر به اصطلاح «بویه‌ای» بلافاصله در گوشه جنوب غربی سرداب ایوان غربی (قبله) به دست آمده است (شکل ۸، کنار حرف A). چون تپله‌هایی که روی کف آجری مذکور پیدا شده قابل انتساب به سده چهارم ه.ق. / دهم م. است و خشت‌های «گبری» نیز از سرداب قدیمی‌تر است، پس شاید بتوان خشت‌ها را دست‌کم به پایان دوره ساسانی نسبت داد. چنانچه در آینده این تاریخ‌گذاری نفی شود، باز هم وجود یک آبادی از دوره ساسانی در مکان فعلی زوزن محتمل باقی می‌ماند. در حال حاضر لااقل سه نشانه دیگر شواهدی بر این مدعا است: نخست آن که یک باور کهن منشأ زوزن را به بنای یک آتشکده مربوط می‌دانسته^(۱۹)؛ دیگر این که به آفرید پیامبر که به تحریک مغ‌ها در سال ۱۲۱ ه.ق. / ۷۳۹ م. به دستور ابومسلم کشته شد، اهل زوزن بوده^(۲۰) (بنابراین لااقل از اواخر عصر ساسانی محلی در این مکان وجود داشته)، و بالاخره، سکه‌هایی از آن دوره به زوزن مستنسب است^(۲۱)، هرچند که برخی در این انتساب شک کرده‌اند^(۲۲).

در مورد عصر اسلامی، بجز ابتدای قرن هفتم ه.ق. / قرن سیزدهم م. که پژوهش درباره آن همانطور که ذکر شد تا حد زیادی پیشرفته است، سایر ادوار هنوز مبهم باقی مانده‌اند. برای رفع این نقص لازم است به ویژه یک جدول زمانی از اسامی «رئیس»ها و «ملک»هایی که طی سده‌های نخستین دوره اسلامی بر زوزن فرمانروائی کرده‌اند فراهم آید. «بصره کوچک»، لقب زوزن، و آثار کشف شده در محل، که تجلی یک معماری پیشرفته است، نشان می‌دهد که این فرمانروایان اقتدار خود را در شهری اعمال می‌کرده‌اند که دارای یک مدنیت متعالی بوده است. جدا از مدارک ادبی، آثار معماری مذکور، شواهد زنده‌ای دال بر این مدعا است. از آن جمله است: بازمانده‌های ستونهای بنائی که فعلاً «مسجد اول» نامیده شده است و تا حدی یادآور ستونهای مسجد نه گنبد بلخ می‌باشد و قابل انتساب به قرن سوم ه.ق. / نهم م. است^(۲۳). دیگر آثاری است که به «مسجد دوم» ارتباط دارد که آن بدون تردید خود در چند مرحله بنا گردیده است. این مسجد از مسجد اول بزرگتر است و مسجد اول را در بر می‌گیرد. دیگر محرابی بزرگ از گچ است که بخش بالایی آن پیش از آغاز حفاری‌ها هم هویدا بود (شکل ۲ و ۳ حرف A) ولی قسمت اعظم آن اخیراً به دنبال کوشش و کاوشهای همکار ما آقای رجبعلی لباف خانیکی از درون خاک بیرون آمد. این محراب در شکوه و جلال در جهان اسلامی کم‌نظیر است ولی رابطه آن با دقت کافی هنوز با دیگر بخشهای بنا روشن نشده است. امید است که پس از فتوگرامتری از آن، این کمبود

۱۲ تا ۱۰ و عکس
۱۶۶۱/۱۲۱۹ م. در بالای اسپر ایوان غربی (شکل‌های ۱۰ تا ۱۲ و عکس
کمکی ۷).

سطح صفحاتی که کلیشه‌های این مختصر روی آنها چاپ
خواهد شد اجازه طبع روشن تصاویری را که شرح آنها گذشت
نخواهد داد ولی سه شکل از شکل‌های خام (سیمی) (شکل ۸، ۹ و ۱۰) به
عنوان نمونه در معرض دید قرار خواهند گرفت. از آنجا که صفحه دو
بُعدی کاغذ اجازه حرکت در فضا و همچنین نشان دادن سه بُعد را
نمی‌دهد، در یک نمونه فرض بر آن شده که بیننده از دور به نمای
اصلی (شرقی) ایوان بزرگ (قبله) مسجد-مدرسه زوزن می‌نگرد (شکل
خام شماره ۸) و سپس به سوی آن می‌رود (شکل ۹) و ارتفاع می‌گیرد
(شکل پرداخته ۱۰) تا آنجا که نخست نوشته‌های نسبتاً بزرگ را به
راحتی می‌بیند (شکل‌های پرداخته ۱۱ و ۱۲) و در پایان حتی متن
نوشته شده روی یک آجر (در واقع یک کاشی بدون لعاب) را هم که
چشم نمی‌تواند آن را از سطح زمین تمیز دهد به راحتی در بالای اسپر
ایوان می‌بیند و می‌خواند (شکل پرداخته ۱۲). مقیاس و شکل پرداخته
شده توسط رایانه می‌تواند در نقاط حساس به ۱/۱ برسد.

پانوشته‌ها:

۱- نگاه کنید به:

C. Adle, "Archéologie et arts du Monde
irannien, de l'Inde musulmane et du Caucase
d'après quelques recherches récentes de terrain,
1984-1994", *Comptes rendus de l'Académie des
Inscriptions et Belles-Lettres*, janvier-mars 1996, pp.
315-376, pp. 315-329, figs 1-5.

۲- نگاه کنید به:

C. Adle, "Bastâm", *Encyclopaedia Iranica*, vol.
IV/2. pp. 1771-1780 et 178-179. figs 17-18 des
"addenda and corrigenda" du vol IV, New York,
1989.

۳- نگاه کنید به:

C. Adle, "Investigations archéologiques dans
le Gorgân, au pays turcoman et aux confins
irano-afghans", dans *Mélanges offerts à Louis Bazin*,
éd. J. L. Bacqué-Grammont et R. Dor, Paris, 1992,
pp. 177-205 et 177-196.

۴- سخت افزاری دست کم با مشخصات زیر:

HD=1 Go; processeur 133 Mhz; 32 Mo

برطرف شود. بالاخره از شواهد موجود برای شکوه زوزن می‌توان به
قطعاتی از کتیبه‌های گوناگون از گل پخته اشاره کرد که بطور پراکنده
به دست آمده و با بهترین آثار مشابه قابل مقایسه است. هیچ‌کدام از
قطعات این کتیبه‌ها در جای خود پیدا نشده و هر یکی در جایی روی
زمین افتاده بود زیرا *مَلِک مَعْظَم* «مسجد دوم» را به تدریج تخریب
کرده (۲۴) مسجد خود را جایگزین آن می‌کرد. بنای این «مسجد
سوم» اندکی پس از مرگ ملک به سال ۱۲/۱۶۱۸ م. در حالی که
ایوانهای غربی و شرقی آن تقریباً تمام شده بود رها شد.

برداشت فتوگرامتریک شمارگانی سه بُعدی مسجد-مدرسه
زوزن پیشرفت زیادی کرده و چهارده شکل از آن موجود است. باید
تکرار کرد که این اشکال را به جهت سهولت پرداخت در رایانه از
یکدیگر جدا کرده‌ایم و گرنه همگی عضو لاینفک یک حجم، یعنی
مسجد-مدرسه زوزن هستند. علاقه‌مندانی که دارای رایانه قدرتمند
هستند و بر برنامه میکرواستاسیون تسلط دارند می‌توانند این بخشها
را به سهولت به یکدیگر چسبانده با یک حجم «بازی» کنند. لازم به
تأکید نیست که در این صورت ایشان با یک حجم بسیار بزرگ داده
خام سر و کار خواهند داشت که تسلط بر آن چندان کار آسانی
نخواهد بود. فهرست اشکال موجود عبارت است از:

۱- نمای اصلی بیرونی و درونی ایوان غربی همراه با
برداشت از بازمانده‌هایی که از طریق کاوشها پیدا شده‌اند (شکل‌های ۸
تا ۱۲ و عکسهای کمکی ۵ تا ۷).

۲- نمای بیرونی شمالی ایوان غربی (شکل ۲ و عکس کمکی
۴).

۳- نمای درونی شمالی ایوان غربی.

۴- نمای بیرونی غربی ایوان غربی.

۵- نمای بیرونی جنوب ایوان غربی همراه با برداشت از آثار
مکشوفه در این بخش.

۶- نمای درونی جنوبی ایوان غربی.

۷- نمای اصلی بیرونی و درونی غربی ایوان شرقی.

۸- نمای بیرونی جنوبی ایوان شرقی.

۹- نمای درونی جنوبی ایوان شرقی.

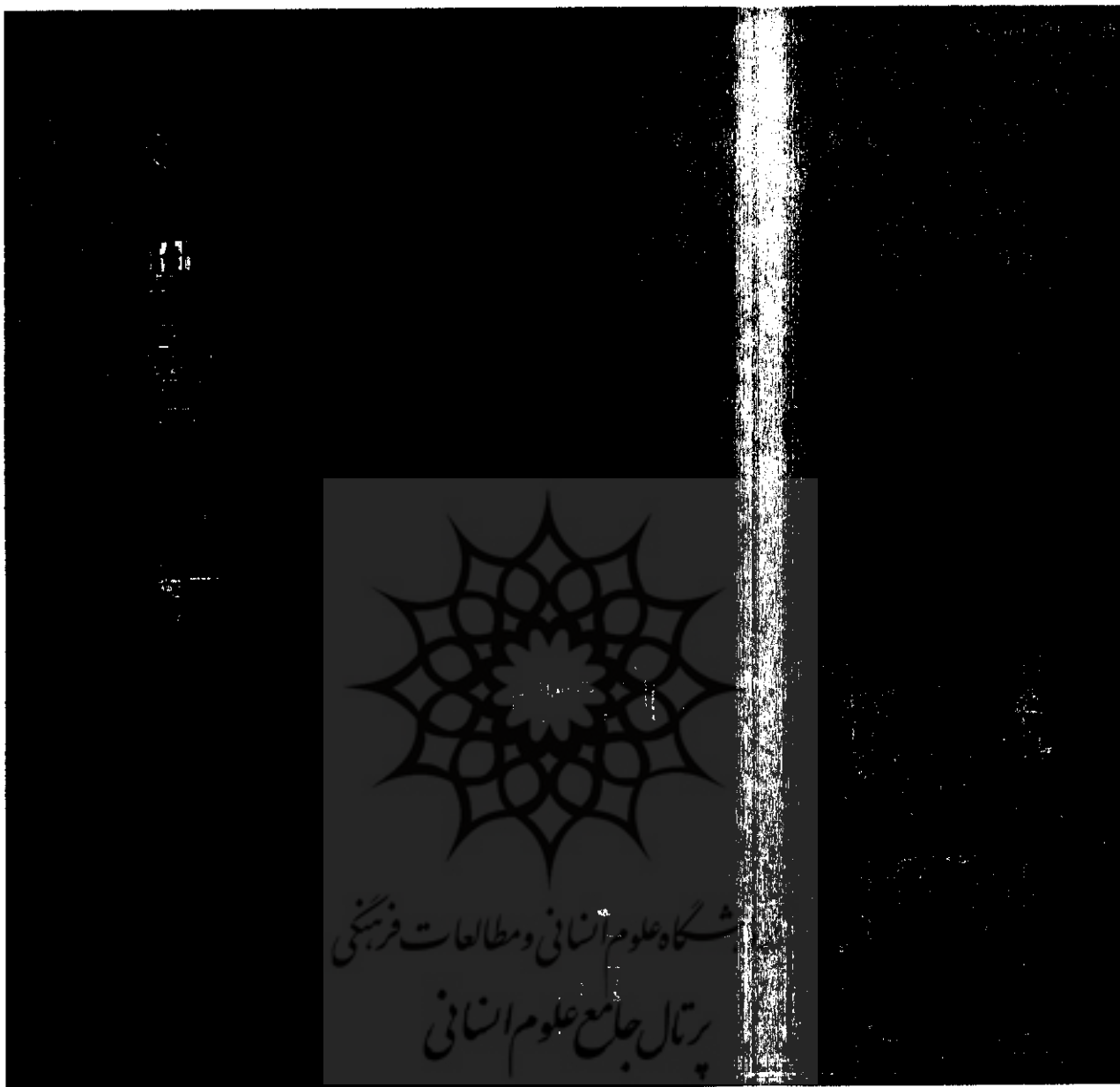
۱۰- نمای بیرونی شرقی ایوان شرقی.

۱۱- نمای بیرونی شمالی ایوان شرقی.

۱۲- نمای درونی شمالی ایوان شرقی.

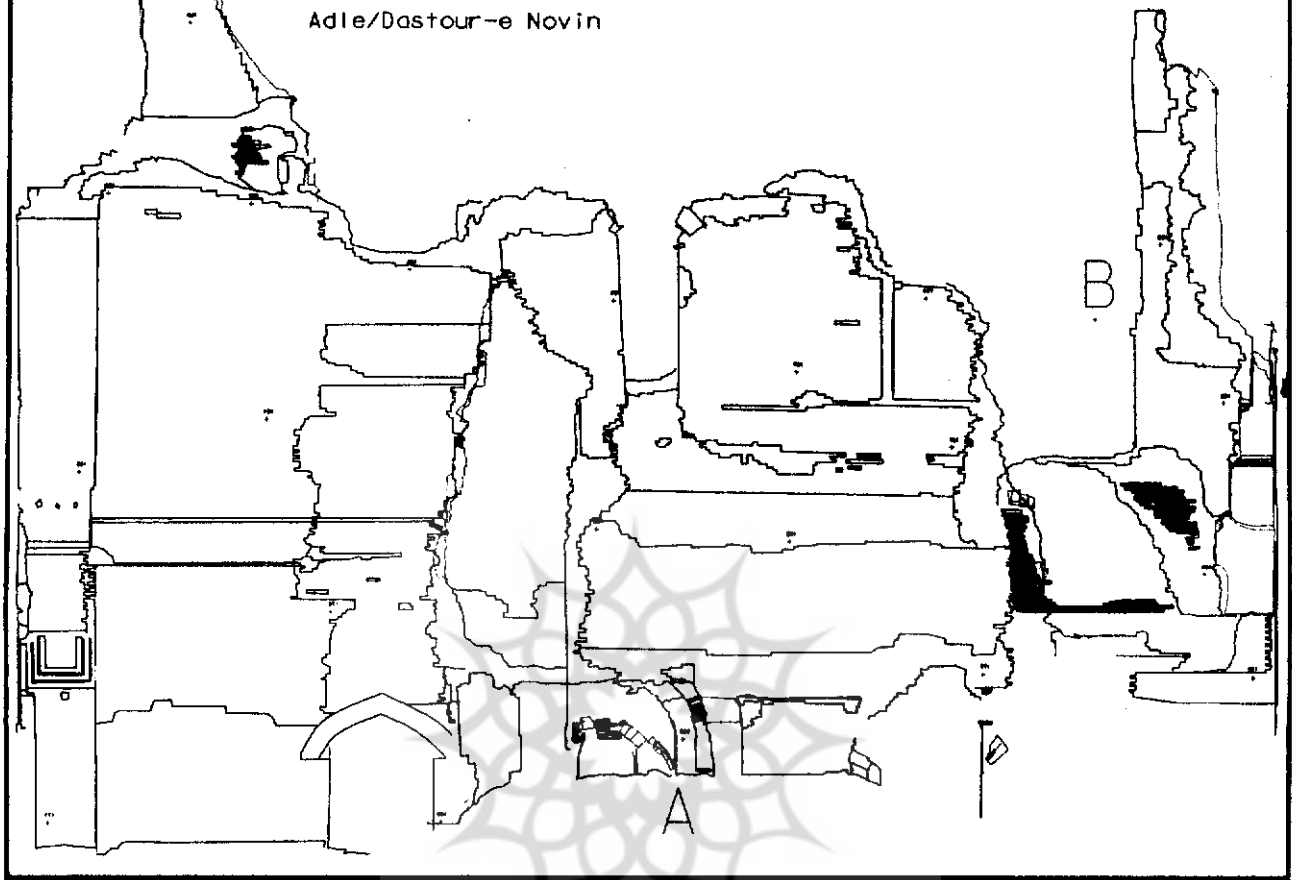
۱۳- مقاطع افقی تمام مجموعه.

۱۴- کتیبه تزئینی بزرگ و باشکوه از کاشی و آجر مورخ



شکل ۱ - بسطام، مجموعه بایزید، تصویربرداری از یک دید نمای شمالی (اصلی) مسجد دوم بایزید (۵۱۴هـ/۲۷-۱۱۲۰م). این بازسازی شمارگانی، سه بخش مستقل کنونی نمای مسجد را که هر سه باهم قابل رؤیت نیست، به هم پیوند داده به صورت واحد و به همان شکل که هشتصد سال پیش دیده می شد عرضه می شود. برای تکمیل این بازسازی باید گنبد کم ارتفاعی، که هنوز طرح آن به دقت روشن نشده، در طرف راست بام بنا جای داد و قسمت فوقانی یک پلانی آهنگ را هم میان گنبد و منار قرار داد. نوارهای سیاه رنگی که مناره را از نما و بالای نما را از قوسهای زیر آن جدا می کند، حد و حدود سه بخش از هم جدا شده نمای کنونی مسجد را نشان می دهند. این نوارها نمایانگر محل پیوند ساخت و سازهای متأخر به نمای مسجد دوم هستند. ارتفاع بنا از زمین تا نوک مناره ۱۷.۲۰ متر است و عرض آن ۱۵۶۰ متر (آجرهایی که در راست ترین بخش تصویر به صورت منفرجه دیده می شوند نباید به حساب آورده شوند زیرا به این نما تعلق ندارند). شخصی که در طرف چپ نما نشان داده شده روی کف زمین کنونی در خارج بنا ایستاده است. حجم و مواد تشکیل دهنده کف در این تصویر دیده نمی شود.

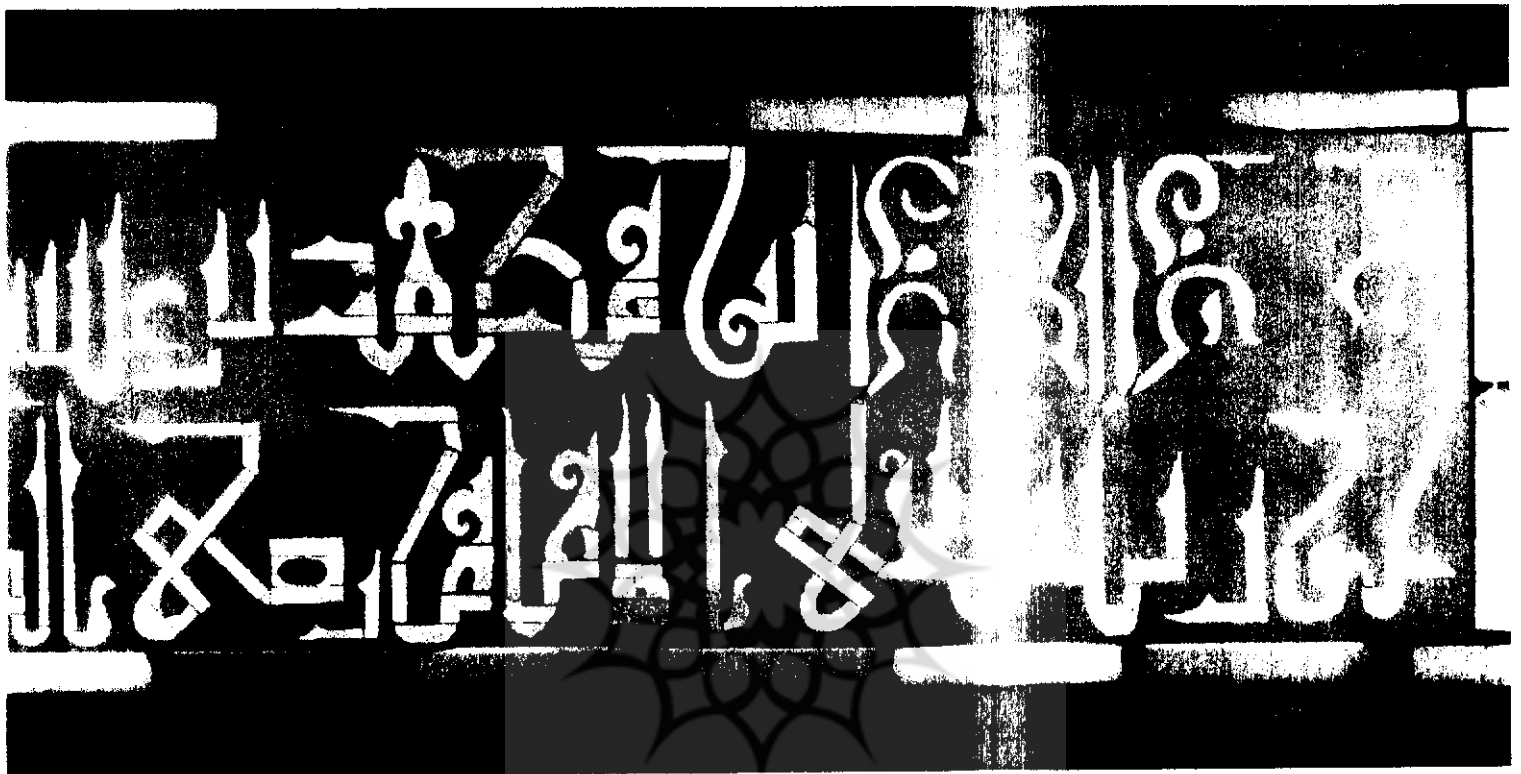
ZUZAN, main Eyvan (West), north facade
 OPCI/CNRS/ESKEM/Van Berchem
 Adle/Dastour-e Novin



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مركز ابحاث علوم انسانی

شکل ۲ - بسطام، مجموعه بایزید، نمای اصلی (شمالی) مسجد دوم بایزید مورخ ۵۱۳/۱۱۲۱-۱۱۲۰ م. تصویری از یک دید کتیبه حاوی نام سفارش دهنده مسجد دوم بایزید، بازسازی و پرداخته شده شده به صورت شمارگانی. این قطعه کتیبه و قطعاتی که در دو طرف آن در بالای نما بوده‌اند (نگاه کنید به شکل ۱)، به هنگام کاوشهایی که روی بام رواق و بام مسجد بایزید انجام می‌گرفت کشف شدند. این کتیبه‌ها هم‌اکنون نیز قابل رؤیت نیستند زیرا میان لایه جداکننده طاق رواق از کف پشت‌بام بنا قرار گرفته‌اند. خطوط اصلی کتیبه که در اینجا دیده آورده شده در بالای دربی که در وسط نمای شکل ۱ قرار گرفته است دیده می‌شود. متن نوشته چنین است: «حرر بسعی الامام رضی‌الدین محمد بن عیسی». امام رضی‌الدین هشتمین وارث و جانشین بایزید (وفات ۲۳۳/۷۲۹-۷۲۸ م) بود. حروف کتیبه از آجر تراشیده رنگ خورده و زمینه آن از گچ رنگ‌خورده تشکیل یافته است. طول کتیبه در درون قاب ۱.۵۱ متر و ارتفاع ۰.۶۶ متر است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

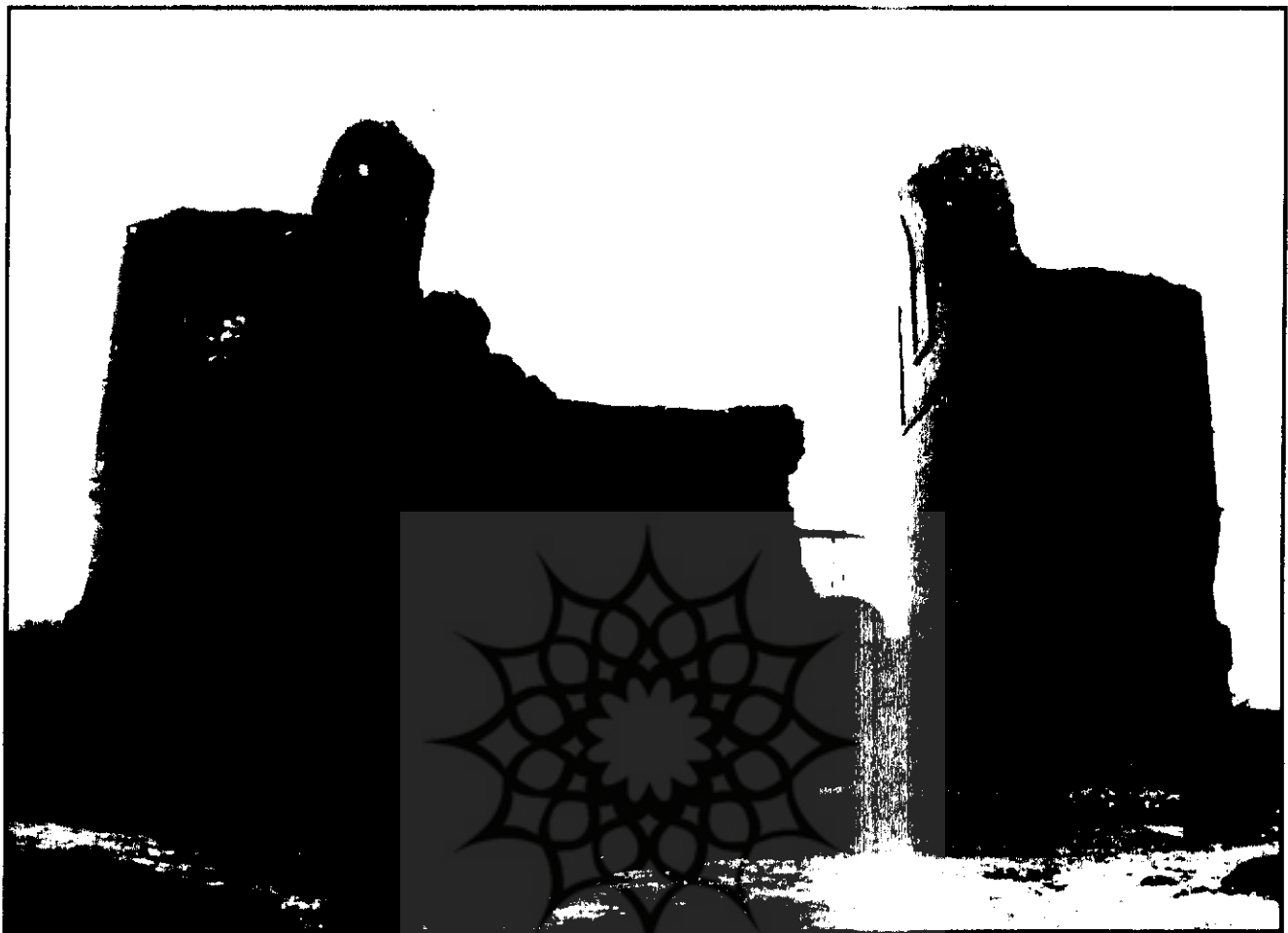
شکل ۲- زوزن، مسجد- مدرسه، نمای بیرونی بر شمالی ایوان بزرگ (غربی/قبله). دید خام (سیمی)، خطوط سبز بالای حرف A نشان دهنده بازمانده طاقی است که محراب کوبین زیبای منتسب به حدود قرن ۱۱/هـ م را می پوشانده است (ر.ک. شکل ۳) و حرف B جایگاه کتیبه بزرگ از کاشی مورخ ۶۱۶ هـ ق./ ۲۰-۲۱۱ م. را روی اسپر ایوان نشان می دهد (ر.ک. شکل های ۶ تا ۱۰). مجموعه این دید نمای شمالی اکنون دیگر قابل رؤیت در محل نیست زیرا فرس ریختگیها و شکافهای ایوان ترمیم گردیده است. برداشت فتوگرامتری محراب هنوز انجام نشده و از اینرو توانائی گنجاندن آن در این شکل در حال حاضر وجود ندارد.



شکل ۴ - زوزن، مسجد-مدرسه. نمای بیرونی بر شمالی ایوان بزرگ (غربی/قبله) پیش از ترمیم. آثار طاق که روی محراب را می‌پوشانده است در گوشه راست پائین عکس دیده می‌شود (ر.ک. شکل ۳). این آثار هم فعلاً به سده ۵هـ. ق. ۱۱۷م. نسبت داده می‌شود.



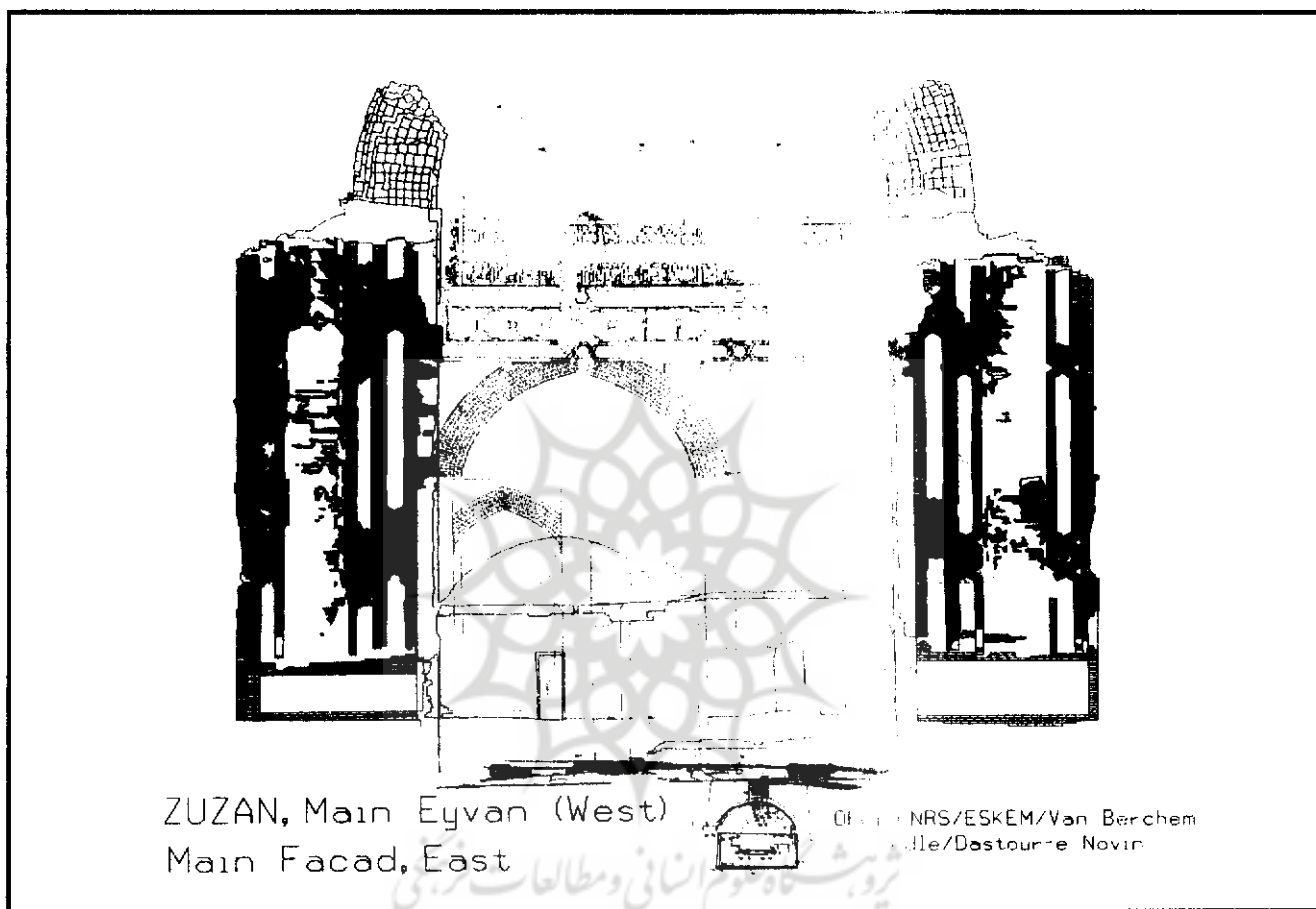
شکل ۵ - زوزن، مسجد-مدرسه. نمای اصلی (شرقی) ایوان بزرگ (غربی/قبله). یک سال پس از آغاز عملیات مرمت توسط سازمان میراث فرهنگی کشور در سال ۱۳۶۶ش. ۱۹۸۷م. داربست‌ها، دوربین و لوازم کار نقشه‌برداری و فتوگرامتری در عکس دیده می‌شود. مسجد کوچک متأخر و روستائی که در میان ایوان ساخته شده بود (خطوط سبز در شکل ۸) اکنون برجیده شده و فروریختگی بزرگ اسپر ایوان نیز ترمیم گردیده است.



شکل ۶- زوزن، مسجد-مدرسه، شرق از نمای اصلی (شرقی) ایوان بزرگ (غربی/قبله) با مسجد کوچک روستائی متأخر که در شکم داشت و اکنون برچیده شده است. بالای گنبد بدنه شمالی و اسپر ایوان از گذشته دور ویران شده بود ولی بخش آغازین کتیبه بزرگ روز ۲۷ دی ۱۳۵۸/۱۶ ژانویه ۱۹۷۹ پیش از آغاز عملیات مافرو ریخت. اهمیت و ترس از ریزش کتیبه، فتوگرامتری از آن را در صدر برداشتها قرار داد. داربست بزرگی که دیده می‌شود برای عکسبرداری فتوگرامتریک از نزدیک ساخته شده نتیجه و دقت کار را در تصاویر ۱۰ تا ۱۳ می‌توان دید.



شکل ۷- زوزن، مسجد مدرسه. دید اسپر ایوان بزرگ (غربی/قبله). در آذرماه ۱۳۶۶/ژانویه ۱۹۸۸، ریزشی بزرگ و ناگهانی در پائین گوشه سمت راست (شمالی) اسپر ایوان، گور یک کودک را که آرامگاهش در بطن اسپر ساخته شده بود هویدا ساخت. این کودک می‌توانسته یکی از فرزندان یا نوه ملک معظم باشد. فروریختگی به چالاکي و به دست استادکاران سازمان میراث فرهنگی ترمیم گردیده از گسترش ریزش و شاید ویرانگی کلی ایوان جلوگیری شد. آثار ریزش هنوز در بالای درب نوساز ورودی به آرامگاه امیرزاده زوزن در سمت راست پایین عکس دیده می‌شود.



شکل ۸- زوزن، مسجد-مدرسه، دیدنای شمارگانی، عمودی، خام (سیمی) و روی هم افتاده نمای اصلی ایوان بزرگ (غربی/قبله). اسپر ایوان و آثار روی آن به خط سرخ کمرنگ، ام‌ری) ترسیم شده و ریزه‌کاری‌ها و دیدهای پرداخته آن (جسم گرفته و نور خورده) روی شکل‌های ۱۰ تا ۱۲ آورده شده است. مسجد کوچک و روستائی و متأخر که اکنون برچیده شده، در میان ایوان به خط سبز ترسیم گردیده (حرف B، شکل‌های ۵ و ۶ را ببینید) و سرداب ایوان، که یک آرامگاه بوده، در پائینترین سطح دیده می‌شود. حرف A در سمت چپ (جنوب) سرداب، محل سه خشت «گبری» را که احتمالاً به دوره ساسانی یا صدر اسلام تعلق دارد نشان می‌دهد. سرداب به سده چهارم ه.ق/ ۱۰ م. نسبت داده می‌شود و خطوط مسجد اول و دوم روی کف ملاحتله می‌گردد (خطوط و ستونهای روی هم افتاده). روی نمای پایه‌های ایوان، آغاز سوره ۲۲ (المؤمنون) و در پایان آن، روی پایه چپ (جنوبی)، تاریخ ربیع‌الاول ۶۱۵ ه.ق. که برابر با ۲۸ مه-۲۶ ژوئن ۱۲۱۸ م. است، قابل تشخیص است. رقم استاد سازنده («عمل محمد بن...») نیز اثر تصویر بزرگتر چاپ شود دیده خواهد شد (برای متن کتیبه‌ها ر.ک. عدل، اثر، بندهای ۲-۳-۱، مقاله نامبرده شده در زیرنویس شماره ۹)

ZUZAN, espar of the main Eyvan (West)



O.P.C.I./CNRS/ESKEM/Van Berchem
Adle/Dastour-e Novin

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

شکل ۹ - زوزن، مسجد-مدرسه، دید شمارگانی عمود و خام (سیمی) اسپر ایوان بزرگ (غربی/قبله). عناصر مهم، کتیبه و مجموع تزئینات بالای اسپر: خطوط فیروزه‌ای کاشی‌ها و خطوط سرخ کمرنگ آجرهای بخش‌های کلیدی بنا را نشان می‌دهد. روی این اسپر بطور استثنایی یک «طاق باربر» را که بارسنگین بخش بالای اسپر را به چپ و راست نقاط کم‌توان (محراب و نورگیر) منتقل می‌کند، به روشنی می‌توان دید زیرا، از آنجا که ساختمان مسجد-مدرسه به پایان نرسید، روکار نیمه تمام مانده سطح اسپر و طاق باربر ناپوشانده ماند.



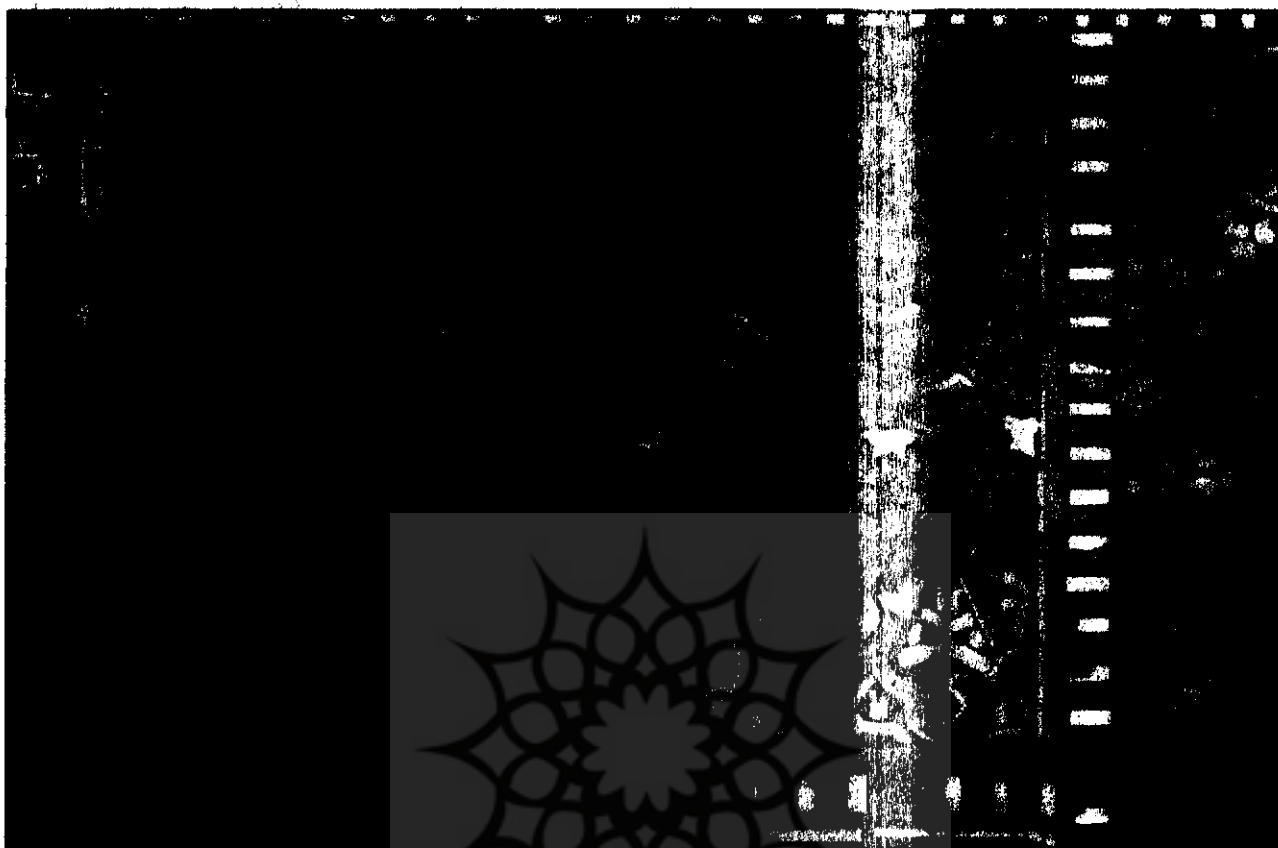
موسسه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

شکل ۱۰ - زوزن، مسجد مدینه، دید شمارگانی عمود و پرداخته (جسم و نور داده شده) بخش زیرین اسپر ایوان بزرگ (غربی/قبله). روز ۲۶ دی ۱۳۵۸/۱۶ ژانویه ۱۹۷۹. پیش از آنکه برنامه فتوگرامتری و نقشه برداری آغاز گردد، آغاز کتیبه کاشی فرو ریخت و به این جهت امکان عکسبرداری شمارگانی سه بُعدی از آن هیچگاه موجود نبود که بتوان آن را در اینجا بطور ترسیمی نقل کرد. متن کامل کتیبه، که مورخ ۱۶ هـ.ق/۱۲۱۹ م. است، در بخش افزایی به خط کوفی به قرار زیر است: «[برسم اصحاب الامام الاعظم]م سراج الامه ابی حنیفه نعمان بن النابیت الكوفی رضی الله عنه». تاریخ کتیبه در بخش عمودی به خط نسخی آمده: «... (یک حرف دنداندار نامشخص) ست عشره و ستمائه». برای شرح بیشتر رک. تصاویر ۱۱، ۱۲ و ۱۳ و همچنین عدل، اثر، بند ۲-۳-۴، مقاله یاد شده در زیرنویس شماره ۹).



شکل ۱۱ - زوزن، مسجد-مدرسه، ایوان بزرگ (غربی/قبله). دید عمود و برداشته از اسپر ایوان که دید خام آن در تصاویر ۹ و ۱۰ دیده می‌شود. در میان شمسه (قطر ۰۶۸ متر) کلمه «الله» از کاشی فیروزه‌ای تراشیده به چشم می‌خورد و اسامی حضرت رسول (ص) و خلفای راشدین در بین اضلاع ستاره پنج ضلعی قابل تشخیص است (نوشته درون دایره شمسه هنوز خوانده نشده است). در شمسه سمت راست (شمالی)، آغاز جمله «دوعاگوی عز تو» و در سمت چپ (جنوبی) «دوعا می‌خواهد» دیده می‌شود (رک. تصویر ۱۳ و همچنین عدل، اثر، بند ۲-۳-۵ مقاله یاد شده در زیرنویس شماره ۹).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شکل ۱۲- زوزن، مسجد-مدین، دید شمارگانی، عمود و پرداخته بخش پایانی کتیبه کوفی اسپر ایوان بزرگ (غربی/قبله). کلمات «... کوفی رضی الله عنه» بطور افقی (رکوع تصویر ۹) و تاریخ به خط نسخی بطور عمودی دیده می‌شود: «... (حرف دندان‌دار نامشخص) است عشر ستمانه» (۶۱۶ هـ ق. ۱۲۱۷ م). کتیبه‌ها از کاشیهای فیروزه‌ای تراشیده و ناتراشیده تشکیل یافته که در لابلای آنها آجرهای بدون لعاب تراشیده نیز به کار رفته است. چهارچوب کتیبه‌ها از آجر لعابدار سفید و فیروزه‌ای ساخته شده است.

پرتال جامع علوم انسانی



شکل ۱۲ - زون، مسجد-مدرسه، دید شمارگانی عمود و پرداخته از نوشته درون کاشی بی‌لغاب میان شمسۀ سمت چپ (جنوب)

مجموع تزئینات اسپر ایوان بزرگ که در تصویر شماره ۱۱ دیده می‌شود، در اینجا پایان جمله «دوعاگوی عز تو دوعا می‌خواهد» یعنی «دوعا می‌خواهد» به چشم می‌خورد و درجه درشت‌نمایی تصویر تقریباً به مقیاس ۱/۱ رسیده است. با توجه به قطر واقعی کاشی، که ۱۲ سانتیمتر است و ارتفاع ۱۲.۵ متری آن از سطح ایوان، بدیهی است که متن نوشته قابل رؤیت به توسط کسانی که به ایوان رفت و آمد داشته‌اند نبوده است و در این صورت باید از خود پرسید که به عزّ چه کسی نویسنده دعا می‌کند و از همو دعا می‌خواهد؟ آیا منظور وی ملک مُعَظَم بوده و یا او که «عزّ» بطور مطلق از آن اوست؟ چون نوشته به چشم انسان آن زمان نمی‌رسیده، حدس دوم می‌تواند به نظر برسد ولی خلود در بطن عزّ قادر لایزال مستمر است و به دعای بندگانش نیازی نیست.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

Ram; carte graphique 64 Bit 2 Mo.

یا بهتر، هارد دیسک با گنجایش بیشتر یا پرسوسور سریع‌تر (مثلاً ۲۳۳) به علاوه کارت گرافیک ۱۲۸ بیت با ۴ مگابایت ورام. مونیتور دست‌کم ۱۷ اینچ و یا بهتر ۲۱ اینچ.

۵- نگاه کنید به زیرنویس ۲ و ۳، همچنین ۶ و ۷.

۶- ر.ک. زیرنویس ۲، ص. ۱۷۹، تصویر ۱۸. کوچک کردن زیاد از حد تصاویر متن مربوط به نظام در آنسیکلوپیدا ایرانیکا منجر به نارسائی در کیفیت نقشه‌ها و اشکال گردیده و در نتیجه تمام آنها (شکل ۱۷ و ۱۸) در پایان جلد چهارم، در «Addenda and corrigenda» مجدداً چاپ رسیده است و به این جهت بهتر است به این تصاویر متأسس مراجعه شود.

۷- نگاه کنید به:

ش. عدل، «کتابتیه نویافته در نظام کومش (۶۹۹ ه. ق. / ۱۳۰۰-۱۲۹۹ م.) و برج آرامگاهی از میان رفته حسام‌الدوله یا سلم و تور در ساری»، *اثر*، دهم، نازدهم، ۱۳۶۵، صص. ۱۸۳-۱۷۵.

۸- احمد بن حسین بن شیخ الخرقانی، *دستورالجمهور فی مناقب السلطان العارفین اسی یزید طیفور*، نسخه خطی آکادمی بیرونی، شماره ۷۸، تاشکند. ورق ۱۵۵ پ. از آنجائی که دستنویس دستورالجمهور حاوی اطلاعات بسیار مفیدی دربارهٔ مجموعه نظام، خاندان بایزید و سلسله طغره ریه بود، متون تصویری نسخ آن کتاب و هر آنچه که لازم بود از طرف نویسنده این سطور در اختیار مرحوم محمدتقی دانش‌پژوه برای آماده کردن یک متن انتقادی قرار گرفت. این مهم انجام گرفت ولی متأسفانه عمر آن دانشمند بزرگوار کفاف نداد که ثمرهٔ کوشش خویش را ببیند. متن تصحیح‌شده دستورالجمهور اکنون در اختیار دانشمند گرامی جناب آقای ایرج افشار که مورد اعتماد مرحوم دانش‌پژوه بود قرار گرفته است که ایشان به انتشار آن نظارت داشته باشد. اطلاعات لازم در مورد مجموعه نظام در متن نهائی دستورالجمهور نیز ارائه خواهد شد.

۹- نگاه کنید به:

A. Godard, "Khorasan", *Athâr-é Irân*, vol. IV/1, 1949, pp. 7-150 (Zuzan, pp. 113-125);

S. S. Blair, "The Madrasa at Zuzan: Islamic Architecture in Eastern Iran on the Eve of the Mongol Invasion", *Muqarnas*, vol. 3, 1985, pp. 75-91; - ش. عدل، «یادداشتی بر مسجد مدرسه زوزن»، *اثر*، جلد پانزدهم- شانزدهم، ۱۳۶۷ ش.، صص. ۲۴۸-۲۳۱؛

C. Adle, "Une contrée redécouverte, le Pays de Zuzan à la veille de l'invasion mongole", colloque franco-allemand, octobre 1992, Paris-Téhéran, Paris-Téhéran, 1996.

همچنین نگاه کنید به متن ترجمه شده این مقاله به زبان

فارسی:

- شهریار عدل، «خطه‌ای بازیافته، مُلک «زوزن» در آستانهٔ حمله مغول، ترجمهٔ اصغر کریمی، مجموعه مقالات کنگرهٔ معماری و شهرسازی ایران، ارگ بم، جلد سوم، سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۵ ش.، صص. ۷۰-۵۳.

- م. س. خسروی، *جغرافیای تاریخی ولایت زاوه*، مشهد، ۱۳۶۶ ش.، صص. ۱۷۴-۱۶۶.

۱۰- ر.ک.:

C. Adle, "Une contrée redécouverte" *op. cit.*,

و یا ترجمهٔ آن به توسط اصغر کریمی که ذکر آن در

زیرنویس شماره ۹ آورده شد.

۱۱- همان زیرنویس پیشین.

۱۲- Arrien, III, 25، نگاه کنید به:

Arrian, *History of Alexander and Indica*, tr. P.

A. Brunt, 2 vols, Combridge (Mass)/London, 1989, vol. 1, p. 311.

۱۳- نگاه کنید به زیرنویس‌های بعدی یا:

Ibid, pp. 497-98;

E. Badian, "Alexander in Iran", dans *The Cambridge History of Iran*, vol. II, 1985, et cart pp. 474-475;

G. Gropp, *Archäologische Forschungen in Khorasan, Iran*, Wiesbaden, 1995, p. 112.

۱۴- ا. هرتسفلد (E. Herzfeld) در سال ۱۹۲۱ از مدرسهٔ

سلجوقی خرگرد نام برد:

"Khorasan", *Der Islam*, vol. XI, 1921, pp.

107-174 et 169;

ولی تا چهار سال بعد در روز ۲۱-۲۰ مارس ۱۹۲۵

نتوانست مدرسه را ببیند:

"Reisebericht", *ZDMG.*, Neue Folge Bd V

(Bd 80), 1926, pp. 225-284, voir pp. 274-275

شرح تحقیقات یک مورخ بزرگ هنر و کاشف دیگر، یعنی ارنست دیز (Ernst Diez) نیز تقریباً مشابه هرتسفلد است: او نقشه‌های دو مدرسه سلجوقی و تیموری خرگرد را به چاپ رساند ولی از وجود ویرانه‌های زوزن و مسجد آن بی‌اطلاع ماند:

Churasanische Baudenkmäler, Berlin, 1918,

pp. 71-76, figs. 29-34, pls 17-19.

هرچند که مسجد زوزن را برای نخستین بار گدار در سال

۱۹۴۹ م. / ۱۳۲۸ شمسی در آثار ایران معرفی کرد (ر.ک. زیرنویس شماره ۹، صص. ۱۲۵-۱۱۳)؛ ولی اگر تیمورتاش، وزیر قدرتمند

Al-Nadim, *The Fihrist of al-Nadim*, éd. et tr. B. Doge, 2 vols, New York/London, 1970, vol. II, p. 822.

این مکان مطمئناً با روی (Ruy) که امروزه به نام شهر خواف خوانده می‌شود قابل انطباق است. فاصله روی (خواف) تا زوزن به ده فرسنگ نمی‌رسد. برای اطلاعات بیشتر درباره به‌آفرید و کتاب‌شناسی، نگاه کنید به: عبدالحسین زرین‌کوب، دو قرن سکوت، تهران، ۱۳۳۰، صص. ۱۴۴-۱۴۱ و

D. Sourdel, "Bih'âfarid b. Farwardin", آنسیکلوپدی اسلام زیر نام به‌آفرید.

۲۱- دو سکه به آغاز عصر ساسانیان منتسب شده است: یکی به زمان سلطنت بهرام چهارم (۳۹۹-۳۸۸ م.)، نگاه کنید به:

M.-I. Mochiri, *Étude de numismatique iranienne sous les Sassanides et Arabe-sassanides*, 2 vols, Téhéran, 1972-1977, vol. 2, p. 98 et fig. 233;

و دیگری به یزدگرد اول (۴۲۰-۳۹۹ م.)؛ این سکه منتشر نشده به مجموعه حاج مهدی ملک در لندن تعلق دارد و نویسنده به لطف آقای مشیری از وجود آن در تاریخ ۱۱/۹/۱۹۸۹ در پاریس آگاهی یافت. برعکس تعداد زیادی سکه که همه در زمان سلطنت هرمز چهارم (۵۷۹-۵۹۰ م.) ضرب شده، متعلق به آخر این دوره است. سکه‌های قابل انتساب به سالهای ۵۸۰، ۵۸۴، ۵۸۸ و ۵۹۰ م. هستند (M. I. Mochiri, *op. cit.* p. 98) و دارای تاریخ سال ۱۰ و ۱۲ سلطنت هرمز چهارم می‌باشند. سکه‌ای که دارای تاریخ ۱۰ سلطنت وی است در کتاب مشیری نیست زیرا نویسنده این یکی را پس از انتشار کتابش به دست آورد.

۲۲- این شک در انتساب بطور مدون در جایی آورده نشده است و نتیجه یک نظر پرسی است که نویسنده این نوشتار نزد چند تن از متخصصان نادر سکه‌شناسی ساسانی انجام داده است. ۲۳- نگاه کنید به:

A. S. Melikian Chirvani, "La plus ancienne mosquée de Balkh", *Arts asiatiques*, vol. XX, 1969, pp. 3-9;

L. Golombek, "Abbasid Mosque at Balkh", *Oriental Art*, vol. XV, 1969, pp. 173-189.

۲۴- تصاویری از این قطعات در ش. عدل، یادداشتی بر مسجد سدره زوزن، چاپ رسیده است (شکل ۹-۴).

رضاء شاه که در ناحیه دارای املاکی بود، گذار را سالیان دراز پیش از آن، از وجود چنین مسجدی مطلع نمی‌کرد، وی بدون تردید در سال ۱۹۴۰ به زوزن نمی‌رفت. ۱۵- نگاه کنید به:

E. Herzfeld, "Zarathustra", *Archâologische Mitteilungen aus Iran*, vol. I, 1929, pp. 76-185 et 106-107.

۱۶- نگاه کنید به:

J. M. Kinneir, *A Geographical Memoir of the Persian Empire accompanied by a Map*, London, 1813, pp. 183-184.

نویسنده موقعیت زوزن را دقیقاً نمی‌شناخته زیرا فقط می‌نویسد: «گفته می‌شود که زوزن در فاصله مساوی بین هرات و پوشنگ قرار دارد».

۱۷- نگاه کنید به:

H. H. Wilson, *Ariana Antiqua. A Descriptive Account of the Antiquities and Coins of Afghanistan*, London, 1841, pp. 176-177, carte entre p. 214 et 215

آشنائی H. H. Wilson با نام زوزن مبتنی بر ذکر آن اسم توسط J. M. Kinneir بوده است (ر.ک. زیر نویس ۱۶).

۱۸- نگاه کنید به:

A. Gabriel, *Die Erforschung Persiens*. Vienne, 1952, p. 11. n. 7, bibliographie p. 19;

A. T. Wilson, *The Persian Gulf*, London, 1928

۱۹- نگاه کنید به:

Yâqut (Jacut), *Mu'gam al-buldân*, 6 vols, éd. F. Wüstendfeld, Leipzig, 1866-1873, vol. II, p. 958.

تحریرات یاقوت در حدود سال ۶۲۳ ه. ق. ۱۲۲۵ م. انجام گرفته و آنچه که درباره زوزن آورده است از نوشته‌های ابوالحسن بیهقی گرفته که به سال ۵۶۵ ه. ق. ۱۱۷۰-۱۱۶۹ م. وفات یافته است. فعالیت‌های زردشتیان در جنوب شرق نیشابور غیر قابل انکار است. ویرانه‌های چهارطاق بدون تردید ساسانی بزدگور (Bazdgor) (بازهور Bâzehör) در رباط سفید سر راه مشهد به تربت حیدریه گواهی است بر آن (نگاه کنید به:

A. Godard, "Les monuments du feu", *Athâr-é Iran*, vol. III/1, 1938, pp. 5-175, pp. 54-58, figs 29-32.

G. Gropp, *op. cit.*, supra n. 13, pp. 138-139.

۲۰- مراجعه شود به متن بیرونی درباره به‌آفرید، الاثارالباقیه: به کوشش ساخو (Sachau)، چاپ لایپزیگ، ۱۹۲۳، ص. ۲۱۰، نویسنده شهر دیگر، ابن ندیم، می‌نویسد به‌آفرید از روستای رو (Ruwa) بوده است: